

کعبه از حصول شکل تا حضور صورت

چکیده:

بی‌شک معماری مسجدالحرام و کعبه قبله مسلمین جهان، در عین سادگی ازسبک‌های پیچیده معماری به شمار می‌رود. ساده‌از آن رو که ارتباطات فضایی روشنی دارد و پیچیده از آن رو که انتخاب آیات و روایات؛ محل، شخص معمار و چگونگی طراحی آن، به خواست خداوند بوده است. لذا انتظار می‌رود بیشترین تاثیر و "حضور قلب" را در زائران ایجاد نماید. دریافت اراده خداوند در چیستی و صورت کعبه، و بر آن اساس چگونگی ساخت و شکل آن توسط سازندگان، از لابه‌لای آیات و احادیث معتبر، مبحثی است که در این مقاله به آن پرداخته شده است. در این مسیر شناخت حضوری بیش از حصولی، به عنوان بخش عمده‌ای از حقیقت وجودی انسان دریافت کننده آن مکان مقدس، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه حقایق حضوری در صورت معماری کعبه، که در شکل برآمده از علم حصولی آن موثر بوده، در مقایسه با بناهای زمان‌مند و مکان‌مند دیگر بررسی می‌شود؛ تا شاید بتواند از این منظر به حضور موثر انواع شناخت و موانع آن، در مراتب درک معماری نیز توجه دهد. لذا، استفاده از حوزه‌های مختلف وجودشناسی، معرفت‌شناسی و علوم، با روش تحقیقی کیفی ضروری می‌نماید.

اهداف مقاله:

۱. بررسی ابعاد وجودی صورت (شکل) کعبه از لابه‌لای آیات قرآن.
۲. تاثیر شکل کعبه در چگونگی ساخت معمارانه و دریافت حضوری آن.

سوالات مقاله:

۱. شناخت حضوری و حصولی انسان، ارتباط آن با دریافت شکل و صورت معماری کعبه و موانع آن چگونه و چیست؟
۲. حقایق شکل و صورت معماری کعبه چه تاثیری در شکل آن داشته و در مقایسه با سایر معماری‌ها چگونه است؟

واژگان کلیدی: کعبه، شناخت، صورت، شکل، معماری.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۹/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۱۲/۱۰



استادیار دانشگاه شریعتی، تهران

taghvaei@shariaty.ac.ir



مقدمه

بررسی ادراک و شناخت نه موضوع مستقیم این پژوهش، و نه در بضاعت علمی این نویسنده است. اما انگیزه این نوشتار نزدیک شدن به آن چیزی است که معماری کعبه در دل نهفته دارد و نیز تبیین چستی شناختی است که درک کننده معماری از حضور در آن مکان، در ذهن، دل و قلبش حاصل می‌شود.

ویژگی‌های هنری و متعالی معماری، امکان تبیین و بازشناخت اندیشه‌ها و چگونگی به فعلیت رسیده آن را در شکل معماری، با مشکل مواجه می‌کند. به همین دلیل شاعرانه^۱ و تناقضات دریافت‌ها و تجربیات ادراکی، شناخت ما ممکن است توسط مُدرک دیگر به کلی رد شود.

در باب رابطه مُدرک (درک کننده) و مُدرک (درک شده) دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد و مؤلفه‌های اصلی تعاریف شامل تأکید بر دریافت‌های حسی-عقلی مبتنی بر علم حصولی و یا عرفانی-شهودی و مبتنی بر علم حضوری، مورد بررسی قرار گرفته است. راه نخست به دلیل قرار گیری در بستر علوم تجربی و تکیه بر مستندات منطقی؛ جزء گرا، استدلال‌پذیر، همگانی، صریح و محاسبه‌شدنی است. ولی در مورد روش دوم- که محور اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد- که سیال و پیچیده بوده و شگردهایی متعالی را پیش رو قرار می‌دهد؛ لازم است بر اساس مبانی موجود در گستره شناخت در فرهنگ فلسفی- عرفانی اسلامی، دریافت‌های معماری کعبه تبیین و سبب و سرچشمه آن‌ها معلوم گردد. در این مقاله سعی می‌شود ابعاد وجودی صورت^۲ کعبه از لابه لای آیات قرآن بررسی گردد. آن‌گاه تاثیر آن مفاهیم در چگونگی ساخت و موانع معمارانه در دریافت حضوری آن، در حد امکان معرفی می‌شود. در خاتمه به مقایسه آن ابعاد و حقایق حضوری، با نوع زمان مند و مکان مند متکی بر شکل معماری‌های دیگر و دریافت شده در علم حصولی پرداخته می‌شود. ولی هدف نه تاریخ‌نگاری و نه تشریح و تجزیه و تحلیل معماری کعبه، و محدود به برداشت‌های ذهنی و بدون استناد است. بلکه این مقاله سعی در گذر از این مراتب و همدلی و هم‌زمانی با معماری آن دارد.

نگارنده نیز به تاسی از نوربرگ شولتز^۳ معتقد است که «معماری وسیله‌ای را ارائه می‌دهد تا به انسان پایگاهی وجودی ببخشد». ^۴ لذا در این مقاله بیشتر ملاحظات روحی و کیفی معماری و نه وجه عملکردی و عینی آن بوده است. زیرا «تا زمانی که به چنین فهمی دست نیابیم قادر به حل مسایل و مشکلات عملی و کاربردی آن نخواهیم بود». ^۵ البته این اصل نیز مورد پذیرش است که، بین این دو وجه رابطه‌ای متقابل وجود دارد. ولی از آنجایی که امروزه توجه صرف به وجه عینی، عملکردی و روش جزء گرا، دیدگاه غالب معماری شده؛ فهم کیفی معماری کم‌رنگ‌تر شده است. در حالی که ذات و حقیقت معماری صرفاً منبع و مادهٔ ابژکتیوی نیست، که چون ماده‌ای عینی در دستان دانشمندان علوم محض و در «آزمایشگاه» قابل تحقیق باشد. ای بسا که کالبدشکافی صرفاً شکلی اثر معماری که مولد تقلیدهای بی‌بنیاد می‌باشد و پژوهش‌هایی چون نگاه سنگ‌شناس به سنگ، خود حجاب فهم حقیقت آن باشد، حجابی که متأسفانه در روزگار ما غالب شده است. ^۶

بر این اساس در بحث روش تحقیق، شاکله و راهبرد مقاله بر مبنای بعد هستی و وجودشناسی توحیدی استوار است. پیداست که هدف نفی فواید نگاه پژوهش ما‌بانه و پوزیتیویستی^۷ به معماری و شکل آن نیست، بلکه نفی منحصر به فرد بودن آن مد نظر است،^۸ تا شاید از این طریق بتوان خود را، به حقیقت وجودی و حضوری معماری نزدیک‌تر کرد.

۱. منظور از شاعرانه، پوئیتیک می‌باشد. poetics بر گرفته از واژه Poiesis است که در دوران یونان باستان بکار می‌رفته و به وجهی از آشکار نمودن و از پرده بیرون آوردن امر نهانی و عالم دیگر معطوف بوده است. یعنی هنرمند حقیقت را از خفا به در آورده و آنرا به عالم دیدار و شهود وارد می‌سازد. نگاه کنید به: مارتین، هایدگر، سرآغاز کار هنری، ترجمه پرویز ضیاء شهبانی، انتشارات هر مس، تهران، ۱۳۷۹.

۲. منظور از صورت form و کلامی که در ذهن معمار از ساخت بنا شکل گرفته است. نگاه کنید به: ویدا، تقوایی، از چستی تا تعریف معماری، مجله هویت شهر، شماره ۷، پاییز و زمستان، ۱۳۹۰.

3. Norberg - Shulz, Christian (1936 - 1999).

۴. کریستیان، نوربرگ شولتز، روح مکان، به سوی پدیدارشناسی معماری، ترجمه محمد رضا شیرازی، تهران، رخداد نو، تهران، ۱۳۸۸.

۵. همان، ص ۱۳.

۶. شهرام، پازوکی، تاریخ‌نگاری و نسبت آن با بنیادهای نظری تاریخ، خیال ۱۰، تابستان، ۱۳۸۳.

7. Positivism

۸. در این مورد تحقیق ارزشمندی به روایت سفرنامه حکیم خسرو قبادیانی انجام گرفته است. نگاه کنید به: عقیل، عابدی، معماری خانه کعبه و مسجدالحرام، مجموعه مقالات اولین کنگره معماری و شهرسازی ایران، جلد سوم، سازمان میراث فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵، صص ۵۲-۱۳.

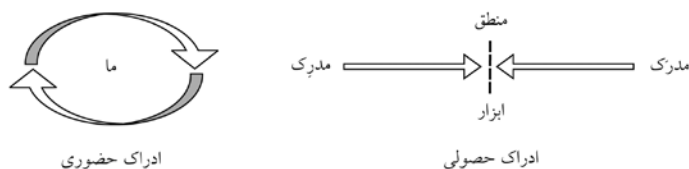
۱- شناخت در گستره فرهنگ فلسفی _ عرفانی اسلام

شناخت و آگاهی اگر همه حقیقت آدمی را تشکیل ندهد، حداقل واضح ترین بخش از هویت هر انسان به شمار می‌رود. «زیرا آنچه انسان همیشه می‌جوید، جهان خارج است، ولی آنچه به جای آن می‌یابد چیزی جز علم [شناخت] به جهان خارج نیست»^۹. عرفان اسلامی نگرشی را بنیاد نهاد که در آن تفسیر خاصی از «موجود»، شناخت و «حقیقت» صورت می‌گرفت. در این دیدگاه شناخت و معرفت به ذات موجود و حقیقت آن تعلق داشت. این بنیاد به کل مظاهر فرهنگی که از دل آن دیدگاه می‌شکفت، سیطره داشت. برای اینکه بتوان درباره چند و چون این مظاهر اندیشید، باید ابتدا این بنیاد تبیین شود و سپس با کلید معرفت به کنه معماری آن_ که در اینجا کعبه است_ دست یافت.

به نظر هایدگر^{۱۰} واژه episteme در فرهنگ یونانی نزدیکی و قرابت بسیاری با واژه معرفت اسلامی _ عرفانی ما داشته است. علوم مورد نظر یونانیان و در نتیجه معارف حاصل از آن از سنخ علوم تجربی و دقیقه نبوده و به آن ویژگی نیز نیازی نبوده است. لذا تصور اینکه علوم تجربی و جدید در معنای science و روش تحقیق در آن موجه تر و معقول تر از علوم کهن است، به نظر درست نمی‌باشد.^{۱۱} به گفته هایدگر هیچ کس را یارای این ادعا نیست که، معرفت علمی جدید صحیح تر و معقول تر از درک علمی، در گذشته تاریخی ماست. بنابراین اگر بخواهیم به ماهیت معرفت و شناخت عرفانی اسلامی _ که مبنای این نگارش است _ برسیم، ابتدا باید خود را از وسواس مقایسه علم و معرفت جدید با معرفت قدیم از جهت درجه پیشرفت، ترقی و صحت رها کنیم.

در فلسفه و عرفان اسلامی شناخت و ادراک منشأیی الهی دارد و برخاسته از ذهن فاعل شناسا و سوژه^{۱۲} به معنای جدیدش نیست. توافق کلی فلاسفه اسلامی در زمینه ادراک و معرفت، آن را به دو دسته مستقل و هم امتداد علم حصولی و حضوری تقسیم می‌کند. در علم حصولی «هستی شناخت با هستی شیء شناخته شده دو واحد متفاوت از هستی و بالاخره دو گونه از هستی اند که با یکدیگر یگانگی در وجود ندارند»^{۱۳} در این علم واقعیت آن تصویری است که از اشیاء و چیزها در ذهن ما موجود است. در حالی که واقعیت معلوم، آن ذاتی است که به صورت مستقل از وجود ما در خارج وجود دارد.^{۱۴} (تصویر ۱)

تصویر ۱- ادراک حصولی و حضوری.



ملاصدرا که فلسفه خود را حکمت متعالیه خوانده است، برای رفع این مشکل فاصله میان ذهن و عین را از میان برده و ضامن حقیقی آن دو را وحدت ماهیت در «آنچه از موجود خارجی ادراک شود» و «موجود خارجی» دانسته، که نشان از نسبت ذاتی میان شناخت و وجود دارد. بر این مبنا نوع دیگری از معرفت تعریف شده است که در آن «هستی شناخت با هستی عینی شیء شناخته شده یکسان و یگانه است. در این علم از آنجا که حقیقت مبادی هستی را نور تشکیل می‌دهد، و نور عین ظهور است، حقیقت علم نیز چیزی جز حضور و عدم حجاب نیست»^{۱۵} بنابراین علم و ادراک از سنخ نور است.

علم حضوری علم نفس به خود و به ذات خود است و در امتداد علم حصولی قرار می‌گیرد. بنابراین لازمه شناخت و ادراک در این دیدگاه به تاسی از حدیث قدسی «من عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»، خود شناسی است.^{۱۶} معرفت در این دیدگاه عرفانی نه تنها از وجود و هستی جدا نیست بلکه خود همانند هر حقیقت دیگری نوعی از وجود است. به عبارت دیگر، علم حضوری، محل تلاقی معرفت و وجود می‌باشد.

۹. غلامحسین، ابراهیمی دینانی، قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی، جلد دوم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰، ص ۵۲۶.

10. Heidegger, Martin (1889-1976).

11. Martin, Heidegger, "The Age of the world picture, in The Question Concerning Technology and other Essays", Trans. By William Lovitt, Harper & Row, NewYork, 1977, pp. 115-154.

12. subject.

۱۳. ملاصدرا، تصور و تصدیق، ترجمه و شرح با عنوان «آگاهی و گواهی» از دکتر مهدی حائری یزدی، چاپ دوم، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۶۰، ص ۵.

۱۴. حضرت علامه سید محمد حسین، طباطبایی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، با پاورقی شهید مرتضی مطهری، چاپ هشتم، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۴.

۱۵. شهاب‌الدین یحیی، سهروردی، حکمه الاشراف از مجموعه مصنفات شیخ اشراق، تصحیح و مقدمه هانری کربن، جلد دوم، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران، ۱۳۵۵، ص ۱۱۳.

۱۶. شهرام، پازوکی، معرفت عرفانی نزد ملاصدرا، خردنامه صدرا، شماره ۲۰، تابستان، ۱۳۷۹.

مفهوم وجود در این دیدگاه در سپهر ذهن بشر معنا نمی‌شود بلکه از مشاهده بی‌واسطه حقیقت آن در علم حضوری ساخته می‌شود. تحقق و بروز مرتبه و درجه‌ای از شناخت با وجود را «حضور» نامیده‌اند.^{۱۷} همان که در قلب محقق می‌شود، به همین دلیل آن را «حضور قلب» خوانده‌اند. دریافتی که وابسته به ویژگی‌های روحی و روانی شناسنده و همه اندوخته‌های او در طول زندگی ذهنی- فردی‌اش نیز می‌باشد.

اگر این مفهوم به گستره معماری مورد نظر برده شود، مشخص می‌شود که اتکا به شکل بنا که تابع زمان و مکان پیدایش آن و دریافت شده در علم حصولی است، در نقد معماری کعبه، پایگاه محکم و متقنی جهت باز شناخت حقیقت معماری آن نمی‌باشد. البته در فرآیند دریافت معماری کنه ذات وجود آشکار نمی‌شود و در این مسیر پیوسته انکشاف همراه با اختفا می‌باشد و وجود در حد معرفت و شناخت شناسنده منفتح می‌شود، بدون اینکه کاملاً در سپهر شناخت انسانی قرار گیرد.

حضور قلب در معنایی نزدیک‌کننده وجود و معرفت که آمد، «متکی شدن به قوه خیال محض»^{۱۸} را می‌طلبد. ابزار شناختی خیال^{۱۹} که به نظر کربن^{۲۰} حلقه مفقوده در علم جدید می‌باشد، با سرچشمه‌های باطنی، معرفتی و ذاتی سروکار دارد. ابزاری که اقلیم روح را در افق دید انسان نگه می‌دارد. این قوه که در اصطلاح‌شناسی غرب با امر غیر حقیقی، واهی و اسطوره‌ای، هم‌معنی دانسته شده است، به نظر کربن «چیزی خلاف واقع نمی‌سازد بلکه از چهره امر واقع نهفته، پرده برمی‌افکند»^{۲۱}

۲- جستجو جهت رسیدن به خواست خداوند در چیستی و صورت کعبه

در معماری، آنچه ما را به روح و حقیقت عالم خیال معمار برساند، صورت نامیده شده است.^{۲۲} تبیین مفهوم صورت چون به چیستی موجود مربوط می‌شود، لاجرم ما را به وادی فلسفه و عرفان می‌کشاند. صورت، حقیقت و معنایی است که در معماری، طبیعت هر چیز قبل از واقعیت فیزیکی آنرا می‌نمایاند،^{۲۳} صورت در این معنا، نه صرفاً نمود خارجی و عینی جسم، بلکه مقدم بر آن است. از آنچه آمد، چنین مستفاد می‌شود که، صورت کعبه بیان‌کننده روح حاکم و خواست خداوند در ساخت این بنا می‌باشد. خواستی که شاید بتوان از لابه‌لای آیات و احادیث به حصه‌ای از آن، به کمک علم حضوری و از طریق حضور قلب در آن مکان دست یافت.

کعبه این قبله وجود، عشق و ایمان که به سوی آن هم‌نماز می‌خوانیم و هم به خاک سپرده می‌شویم، طبق سوره آل عمران، نخستین بنایی است که در زمین برای عبادت ساخته شده است.^{۲۴} نیز بر اساس همان کلام الهی، تنها بنایی است که اگر چه توسط انسان ساخته یا تجدید بنا شده، ولی طراح و معمار اصلی آن خداوند بوده است.^{۲۵} حتی جای آنرا خداوند تعیین نموده است.^{۲۶} و نیز طبق همین آیه از سازندگان آن خواسته شده است که چیزی را همتای او قرار ندهند. در تشریح این خواست الهی روایاتی به چگونگی پیدایش آن پرداخته‌اند. از جمله علامه طباطبایی در ذیل آیه ۹۶ سوره آل عمران در تفسیر المیزان روایتی از امام باقر (ع) در ارتباط با دحوالارض^{۲۷} آورده است که: «خداوند متعال چون خواست زمین را بیافریند، بادها را فرمان داد تا به شکم آب بر خورد کرده از آن موجی درست شد، سپس موج آب، کف کرده همه کف‌ها به هم متصل گردید، خداوند کف‌های متصل را در جای خانه کعبه گردآورد و آن را کوهی قرار داد، و سپس زمین را زیر آن بسط داد.»^{۲۸} در بیان دیگری با همین مضمون آمده که: «خداوند عزوجل دوهزار سال پیش از خلقت جهان، کعبه را با چهار رکن بر آن خلق فرمود. آنگاه زمین را از زیر

۱۷. کریم، مجتهدی، وجود و حضور در کتاب‌المشاعر حکیم ملاصدرا، خردنامه صدرا، شماره سی و دو، تابستان، ۱۳۸۲.

۱۸. همان.

۱۹. در علم اصطلاح‌شناسی غرب واژه خیال با امر غیر حقیقی، واهی و اسطوره مانند هم معنی دانسته شده است. در صورتی که فهم دیگری از کاربرد این کلمه در عالم اشراقی- ایرانی مستفاد می‌شود. این عالم خیال که ابن عربی و سهروردی از شارحان آن و کربن به تأسی از آنان آورده، عالمی میان غیب و شهادت است. این عالم زاده ادراک انسان نبوده بلکه ادراک توسط «قوه خیال» مسافر آن عالم می‌شود. قوه یا به عبارتی عالمی که حدود و مرزهایش را عالم مادی ما تشکیل می‌دهد است. و به محض خارج شدن از این حدود، وارد آن عالم و صورتش می‌شویم. در این عالم است که «چگونه معماری خواستن» رقم می‌خورد. نگاه کنید به: هانری کربن، عالم مثال، ترجمه سید مرتضی آوینی، مجله نامه فرهنگ، سال سوم، شماره دوم و سوم، ۱۳۷۲.

20. Corbin, Henry (1978-1903).

۲۱. هانری، کربن، خانه کعبه و راز معنوی آن از نظر قاضی سعید قمی ۱۱۳۰ هـ/ ۱۶۹۲ م، مجله معارف اسلامی، شماره ۲۳، ۱۳۵۴، ص ۵۷.

۲۲. تقوایی، از چیستی تا تعریف معماری، پیشین.

23. John, Lobell, Between Silence and Light, Spirit in the Architecture of Louis I. Kahn, Shambhala, Boston & London. 2000.

۲۴. نخستین خانه‌ای که برای مردم قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است که پر برکت و مایه هدایت جهانیان است. (آل عمران: ۹۶).

۲۵. (نیز به یادآوردید) هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل، پایه‌های خانه (کعبه) را بالا می‌بردند، (می‌گفتند): پروردگارا! از ما بپذیر، که تو شنوا و دانایی. (بقره: ۱۲۷).

۲۶. (به خاطر بیابور) زمانی را که جای خانه (کعبه) را برای ابراهیم آماده ساختیم (تا خانه را بنا کند، و به او گفتیم) چیزی را همتای من قرار مدها. (حج: ۲۷-۲۶).

۲۷. دحوالارض روزیست و پنجم‌ذی‌القعده می‌باشد. روزی که زمین از زیر مکان کعبه گسترش یافته است.

۲۸. حضرت علامه سید محمد حسین، طباطبایی، ترجمه و تفسیر المیزان، ترجمه عبدالکریم نیری بروجردی، جلد سوم بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء، قم، ۱۳۶۲، ص ۵۸۳.

۲۹. محمد بن جریر، طبری، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، اساطیر، تهران، ۱۳۶۲، ص ۲۶۱.
 ۳۰. محمد سعید بن مفید، معروف به قاضی سعید، در حوالی نیمه سده یازدهم تولد یافت و چون ستاره‌ای در افق دانش و حکمت درخشیدن گرفت. در میان مردم قم به «حکیم کوچک» ملقب بود، لیکن در اصفهان و خصوصاً در دربار شاه عباس دوم صفوی رتبه ای شامخ داشت. قاضی سعید در دوران زندگی خود به این توفیق نائل آمد که محضر استادان برجسته اندیشه و حکمت اسلامی، نظیر ملافیض کاشانی، ملاعبدالرزاق فیض لاهیجی، و ملارجب علی تبریزی را در کتب کند. از میان آثار و تالیفات او می‌توان به «شرح توحیدالصدوق» اشاره کرد. نگاه کنید: قاضی سعید، قمی، رموز صورت کعبه، ترجمه سیدعلی عمادی استرآبادی، رواق ۳، تابستان، ۱۳۸۷، ص ۳.

۳۱. قمی، رموز صورت کعبه، پیشین.
 ۳۲. از تفاسیر مشهور قرآن که تالیفش را فقیه قاهره‌ای سده نهم/ یازدهم، جلال‌الدین محمد محلی (۱۳۸۹-۱۴۵۹ م) آغاز کرد و شاکرکوش دانشنامه نویسن بزرگ بدالرحمن سیوطی (۱۴۴۵-۱۵۰۵ م) به پایان رساند و از این رو به تفسیر دو جلال معروف است.
 ۳۳. جعفر، افندی، رساله معماریه، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، موسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری، تهران، ۱۳۸۹، ص ۹۱.
 ۳۴. شوری، ۷.

۳۵. در هر سرزمینی، بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهر آن منطقه را «ام» (مادر آن سرزمین) گویند. نگاه کنید به: بهاء‌الدین، خرمشاهی، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، جلد اول، انتشارات دوستان و ناهید، تهران، ۱۳۷۷، ص ۳۰۱.

۳۶. میرچا، الباده، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، سروش، تهران، ۱۳۷۶.

۳۷. تینوس، بورکهارت، نقش کعبه در هنر اسلامی، از کتاب: مبانی هنر معنوی، زیر نظر علی تاجدینی، دفتر مطالعات دینی هنر، تهران، ۱۳۷۶.

۳۸. بیت‌المعمور در عرش و چهار ضلع دارد. خانه‌ای است که با عبادت فرشتگان آباد می‌شود... یعنی عرش به صورت بیت‌المعمور تنزل کرده و بیت‌المعمور هم به صورت کعبه در عالم طبیعت جلوه کرده است. نگاه کنید به: آیت‌الله جوادی آملی، صهبای حج، تنظیم و ویرایش حسن واعظی محمدی، اسراء، قم، ۱۳۷۷، صص ۲۰۷ و ۲۸۸.

۳۹. قاضی سعید، قمی، شرح توحیدالصدوق، پیشین، صفحه ۳.

۴۰. الرحمن، آبه ۱۷.

۴۱. کربن، خانه کعبه و راز معنوی آن از نظر قاضی سعید قمی، پیشین، ص ۲۳.

۴۳. رنه، گنون، سیره حکمت و علائم آجرالزمان، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵.

۴۴. علامه مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ترجمه علی دوانی جلد ۴، ۱۳۴۵، صفحه ۵۵ - در کتاب‌های معرفتی بعضی از مطالب بلند را «حکمت عرش» می‌گویند. بدین معناست که مطلب به قلب کسی وارد شده که قلب او عرش رحمان است. نگاه کنید به: آیه الله جوادی آملی، صهبای حج، پیشین، ص ۲۰۵.

۴۵. الحج: ۲۹.

۴۶. تقوایی، از چیستی تا تعریف معماری، پیشین.

۴۷. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: ابو علی احمد بن عمر، ابن رسته، الاعلاق‌النفیسه، ترجمه دکتر حسین قره چانلو، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۵؛ عبدالرحمن ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین کتابداری، جلد دوم، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۸۵، صص ۶۹۸-۶۹۸.

حکیم ناصر ابن خسرو قبادیاتی مروزی، سفرنامه ناصر خسرو، به کوشش دکتر نادر وزین پور، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴، صص ۹۹-۹۰؛ جعفر، افندی، رساله معماریه، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، موسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری، تهران، ۱۳۸۹، صص ۱۰۶-۸۹.

آن بگسترانید.^{۲۹} قاضی سعید قمی^{۳۰} در همین ارتباط از امام صادق (ع) نقل می‌کند: «هنگامی که جبرئیل به امر حق تعالی برای توبه آدم به سوی او آمد، او را برد تا نزد {مکان} خانه کعبه رسید. پس ابری آمد و بر آن‌ها سایه افکند، جبرئیل به آدم فرمود که به پای خود جایی را که ابر بر آن سایه افکنده بود خط بکشد.»^{۳۱} تفاسیر دیگری در خصوص چیستی خواست خداوند در مورد کعبه آمده که از آن جمله، «در تفسیر جلالین^{۳۲} وارد است که پیش از خلق آدم، فرشتگان کعبه مکرم را اختند... و آن را زیارت می‌کردند.»^{۳۳} شاید در انتخاب نام «ام القری»^{۳۴} به معنای «مادر شهر» و «ناف زمین» از همین مفاهیم استفاده شده باشد.^{۳۵} بر حسب سنن عدیده نیز هر آفرینش وزایشی از مرکز و یا یک ناف شروع می‌شود.^{۳۶} گویی خداوند که در مرکز درک ناشدنی عالم قرار گرفته است و در درونی‌ترین مرکز انسان ماوا دارد،^{۳۷} خانه خود را نیز در مرکز عالم قرار داده است. قاضی سعید قمی وجهی دیگر از این خواست را که چگونگی تبدیل صورت به شکل کعبه و جهت‌گیری عروجی آن است را چنین بیان می‌کند: «وجه تسمیه کعبه به این نام از آن حیث است که چهار گوش و مربع است به دلیل آنکه هماهنگ با «بیت‌المعمور»^{۳۸} در آسمان دنیاست. و آن نیز هماهنگ و در امتداد با «صراح» در آسمان چهارم است و آن نیز هم‌سو با «عرش الهی» است که مربع و چهار گوش است. زیرا کلماتی که دین اسلام بر مبنای آن‌ها استوار گردیده است {سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر} چهار تاست.»^{۳۹} در اسلام با توجه به این جهت‌گیری و به تاسی از آیه «رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ» که خداوند را مالک مشرقین و مغربین معرفی می‌نماید^{۴۰} و تفاسیر هانری کربن از این آیات و کتب شیعی مورد اشاره وی برای عرش نیز چهار حد اول، آخر، باطن و ظاهر را بر شمرده‌اند.^{۴۱} که قابل تطبیق با بیان قاضی سعید قمی و جهات کعبه می‌باشد. گنون^{۴۲} نیز با بهره‌گیری از جهت‌یابی کیهانی در عالم معماری و در تاکید بر آن معتقد است که، صورت مکان مجموعه‌ای از گرایش‌ها در جهت می‌باشد. به نظر وی مکانی که متجانس نیست، بلکه بر اثر جهات خود متعین و متفاوت می‌شود، همان است که می‌توان آنرا مکان کیفی نامید.^{۴۳}

از مجموع آیات و احادیث چنین بر می‌آید که کعبه و عرش الهی به نوعی نماد یکدیگرند. بنا بر حدیث نبوی «قلب مومن عرش الرحمن است»^{۴۴}، که با «بیت عتیق»^{۴۵} بودن این خانه که معنایش آزاد کردن بنده می‌باشد، هم معنی است. لذا می‌توان نتیجه گرفت این خانه که خاستگاهش آزاد کردن بنده از همه تعلقات دنیوی است، در قلب مومن متجلی می‌شود. قلب همان مامنی است که توسط علم حضوری می‌توان بدان راه یافت.

۳- چگونگی شکل کعبه

آنچه از خواست خداوند در چیستی، حقایق و صورت این بنا پی جو شدیم، در چگونگی ساخت و شکل آن نیز مصداق دارد.

شکل در معماری وجه کالبدی، عینی و کلام نهایی معمار و ذیل صورت قرار می‌گیرد. پس شکل در پیچه‌ای است که از آن طریق می‌توان به خواست و صورت در خیال معمار پی برد.^{۴۶} تغییر شکل‌های تاریخی که به کعبه و مسجدالحرام کنونی منتهی شد قابل تأمل است. در این بررسی بهتر است میان ریخت‌شناسی خود کعبه که محل تحقیق این مقاله و تغییرات بناهای اطراف آن تمایز قایل شد. خوشبختانه هر دو جنبه به دقت در تاریخ ثبت و توسط علم حصولی قابل دریافت است.^{۴۷} از آیات و احادیث بر می‌آید که، بنای کعبه به دست ابراهیم و اسماعیل، به صورت مکعبی بی

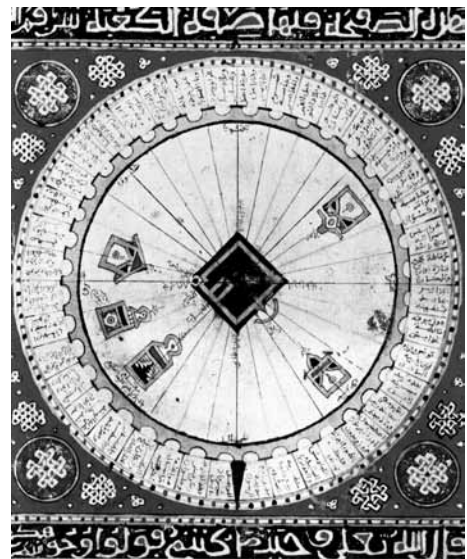
سقف و به ارتفاع قامت یک انسان که چهار گوشه آن در چهار جهت اصلی جغرافیایی قرار داشت، ساخته شد. چنانکه آمد تفاوت ذاتی جهات با یکدیگر که به تفاوت در مکان آن‌ها منجر می‌شود، توجه به مسئله «جهت‌گیری» را در معماری پیش روی ما قرار می‌دهد.

در کعبه نیز جهات مختلف آن ویژگی‌های خاص خود را دارند. چهار جهت کعبه را رکن می‌نامند. در گوشه شرقی کعبه حجرالاسود قرار می‌گیرد، که نماینده دست خداوند و آغازگر طواف زائران است. (تصویر ۲) ارکان دیگر آن شامل شامی، مغربی و یمانی می‌باشد. بین رکن شامی و مغربی، حجر اسماعیل (مدفن هاجر و نیز بسیاری از انبیا) واقع است.

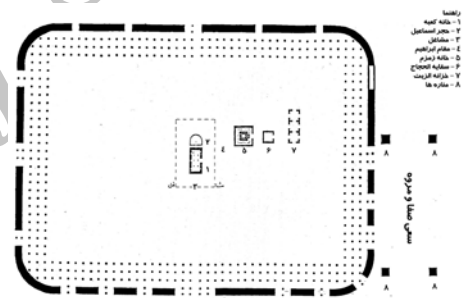
۲۶۰۰ سال پس از ساخت کعبه، تا زمان پیامبر اسلام، شکل آن به صورت مکعبی با سقف مسطح درآمده بود، که از ردیف‌های متوالی سنگ و چوب ساج ساخته شده بود. در قرون بعدی این بنای مکعبی شکل بارها بازسازی شد. اندازه‌ها، نسبت‌ها و ساختار داخلی متفاوتی پیدا کرد. سابقه بنای کنونی کعبه به چهارصد سال قبل به دوره عثمانی باز می‌گردد، اما در همان جایی قرار گرفته که ابراهیم سنگ بنای اولین ساختمان آنرا گذاشت. از ابتدا مصالح آن با سنگ‌های سیاه و خشن بوده که با جرزهای ناهموار و بندکشی ناشیانه‌اش نشان از سادگی و عدم تشخص‌تریینی آنرا داشته است. (تصویر ۳)

از ابتدای تاریخ ما معماران، همه هنرمندی خود را در زمینه‌ی تزیینات گچبری، کاشی‌کاری، آینه‌کاری، مسدس‌سازی و انواع دیگر آرایه‌های معماری را ارزانی بناهای مختلف کرده‌ایم. ما همواره سعی کرده‌ایم تا شکوه قدسی و خلوت عرفانی را در زیر سقف‌های پر جلال و جبروت جویا شویم. (تصویر ۴) و با این سبک معماری، عشق و ارادت خود را به اعتقادات و بزرگواران مدفون در آن بناها اعلام نماییم. در صورتی که فقط منشور و جودی عده اندکی از بازدیدکنندگان این فضاها، قادر خواهند بود کثرات اشکال، تزیینات و مصالح و رنگ‌های این زیارتگاه‌ها را به وحدت وجود متعالی مورد نظر برسانند. زیرا درک زیبایی وحدت یافته در این بناها بصیرتی خودجوش همراه با نوعی ندانستگی، از خود به‌درشدگی، بی‌توجهی به خود مادی و متکی شدن بر قوه خیال و حواس باطنی را می‌طلبد، تا آن معرفت به درون روح، جان و قلب انسان نفوذ کند، بدون اینکه در محدوده تفکر منطقی حاکم بر علم حصولی محبوس شود. این در حالی است که به دلیل تفرق ذهنی بازدیدکنندگان در اکثر موارد، دریافت و معرفت نسبت به این بناها آنقدر برش می‌خورد و زیر چاقوی جراحی علم حصولی قطعه قطعه می‌شود که فهم، کلیت و حکمتش را از دست داده و چون شعاع‌های نور پخش شده از منشور، هر کدامشان رنگی از کلیت نور سفید را می‌نمایانند. مفتوح شدن صورت و زیبایی هر بنا معرفت، عقل کلی و ادراک حضوری را می‌طلبد، تا این شعاع‌های متکثر رنگی نور در شکل معماری را متحد و بیننده را به صورت آن رهنمون شود. و این در همه جا و توسط همگان میسر نمی‌باشد. به همین دلیل خداوند خانه خود را به ساده‌ترین شکل ممکن برای همه مردم تبلور بخشیده است.

چگونگی ساخت و شکل کعبه و عرصه‌های این جهانی آن نیز متأثر از خواست، صورت و پیوندهای آن جهانی‌اش می‌باشد.



تصویر ۲- بخش‌های مختلف کعبه.

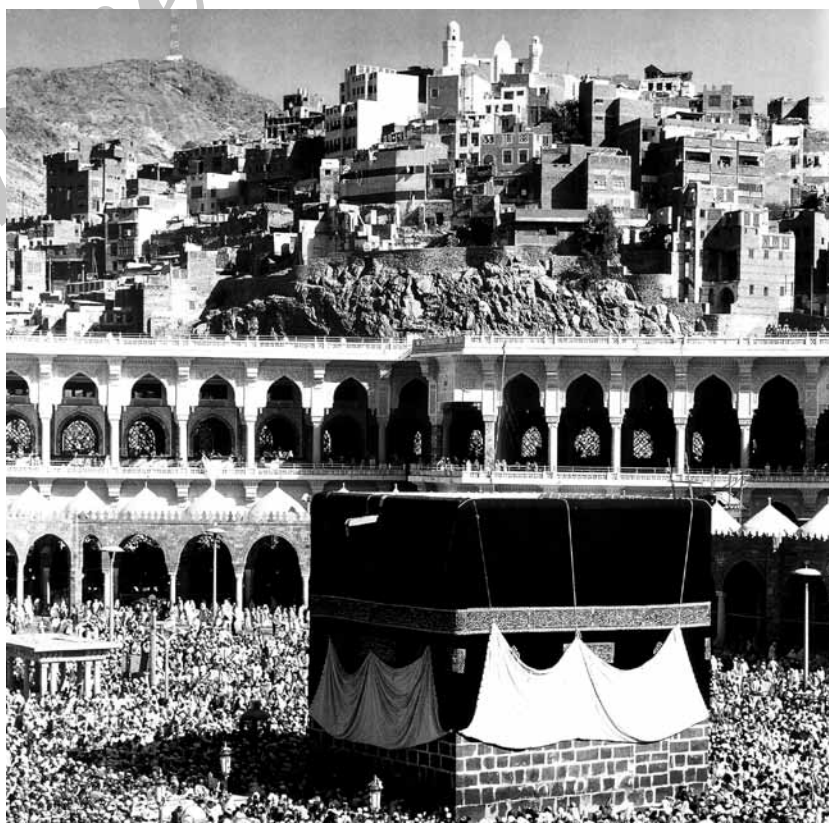


تصویر ۳- نقشه خانه کعبه و مسجد الحرام بر اساس شرح ناصر خسرو در سال ۴۴۲ هجری.



تصویر ۴- نمایی از تزئینات کاخ الحمر.

مقابر فراعنه مصر، معماری و حجاری‌های یونانیان و رومیان و کاخ‌های پرتجمل و تصنع اموی که تابع ابزار تکنولوژیک ساختمانی روز و ویژگی‌های زمانی و مکانی بناهایشان بوده‌اند، نشان از توان عملی معماران در همان زمان بازسازی‌های مکرر بنای کعبه را دارد. این درحالی است که خداوند خانه خود را به ساده‌ترین شکل ممکن، که رمزی از «بی‌شکلی» و «بی‌رنگی» خودش است، برای نمایش عدم تشبیه به دیگر بناها را برگزید. زیرا خداوند «مطلق» و «بی‌رنگ» می‌باشد و طبق آیه شریفه «لیس کمثله شی»^{۴۸} هیچ چیز مثل آن هم نمی‌باشد. خداوند بی‌شکلی و بی‌رنگی ساخت خانه‌اش را رمزی از وحدت شکلی جاری در کثرات افکار انسان‌ها قرار داده است.^{۴۹} (تصویر ۵)



تصویر ۵- نمایی از دیوار کعبه.

۴۸. شوری: ۱۱ و انعام: ۹۲
 ۴۹. انسان از یک عامل «کثرت» به نام طبیعت و یک عامل «وحدت» به نام روح ماورای طبیعی تشکیل یافته است. طبیعت انسان همان خاکی است که از آن ساخته شده و وحدت، خلقت روح انسانی است که خداوند آن را به خود نسبت داده است. هر چیزی که انسان را از یاد خدای سبحان غافل کند دنیای او و جزء کثرات محسوب می‌شود. نگاه کنید به: آیه الله جوادی آملی، صهای حج، پیشین، ص ۱۸۳.

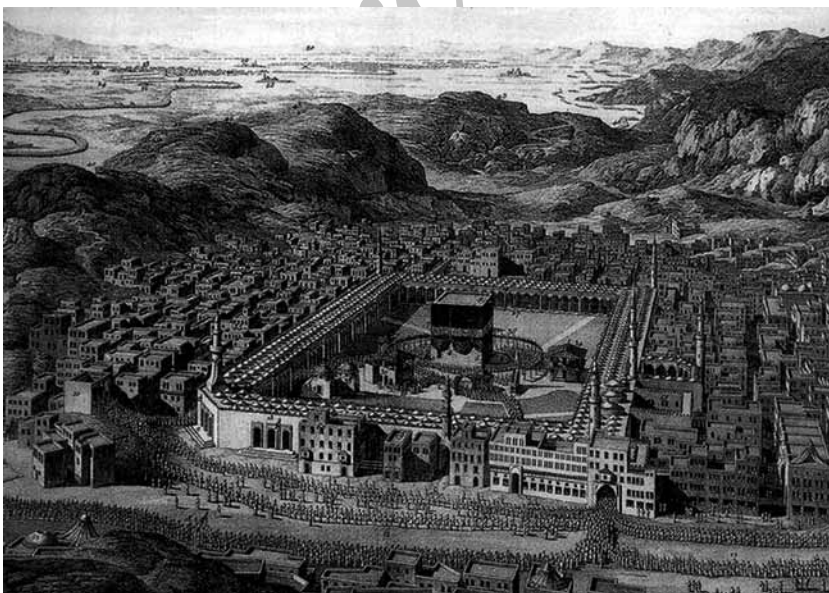
صورت و شکل ورود به کعبه

کعبه را نمی‌توان فقط تصویر عبادتگاه رایج جهان در زمان خودش دانست. بلکه به خواست خداوند آن تصویر چنان اعتلا بخشیده شده که ارزش جهان‌شمول در همه اعصار یافته است. در این قسمت به تأسی از شوان^{۵۰} که زمان و مکان را ظرف عالم پدیداری می‌داند^{۵۱}، به وجوه مختلف ورودی‌های صحن مسجدالحرام و محل استقرار کعبه، از منظر مکانی و زمانی پرداخته خواهد شد.

در مناسک حج، بعد از انجام اعمال خاص برای ورود به کعبه، نخستین لحظه دریافت این بنا، همان لحظه ورود به محوطه‌های آن بوده است. حیاط خانه کعبه، در روزگار پیامبر(ص) و ابوبکر دیواری نداشته است. لیکن بعدها که نام مسجد بر آن نهاده شد^{۵۲} و ازدحام مردم در آن فزونی یافت، خلفای بعدی با خرید چند خانه و افزودن آن‌ها به فضای مسجدالحرام، در اطراف آن دیواری کشیده و درهایی برای آن ساختند.^{۵۳} این درها در ابتدا محدود به دو در شرقی و غربی و به صورت در گاه بوده، که همواره باز بوده است.^{۵۴}

در لحظه ورود به این درگاه‌ها، زائر خود را آماده رویارویی با آن بنا می‌کرده است. این مکان‌های ورودی متفاوت و چندگانه برای انسان، نه تجربه‌گذری یکنواخت و عادی بوده و نه تجربه‌ای که بتوان آنرا به سطوح رفتارهای حرکتی، حسی یا دریافت‌های منطقی فروکاست. چنین معماری‌ای پاسخی به خواست خداوند بوده است. چندان که ابن خلدون نیز آورده که خداوند برای «حرم کعبه از همه نواحی آن حقوق تعظیم و شایستگی خاصی واجب کرده است».^{۵۵} در این صورت و با حفظ این مراتب حضوری در بدو ورود، رسیدن به بنا، معنای راستین خود را می‌یافت. ورودی‌هایی که لذت حضور در محضر خداوند را لحظه به لحظه و قطره به قطره در طی قلمروها و لایه‌های مختلف وجودی به جان و قلب زائر آن می‌چکانند. در این رویارویی هیچ‌یک از داشته‌های بنای اصلی کعبه به دیده نمی‌آید. زیرا همانند آنچه یونانیان آورده‌اند حقیقت به معنای آلتیاء^{۵۶} در پرده است و کم از کم از آن خارج می‌شود. این خروج با مراتب روحی و دریافت زائر هماهنگ بوده است. زیرا در بدو ورود، زائر مدت زمان و مکان‌هایی را نیاز دارد تا بتواند خود را از هیاهوی جهان برون و ظاهر رهایی بخشیده و به درون خود و حرم وارد شود. (تصویر ۶) همه این فضاها نشان‌دهنده آداب تشریف و ورود به فضای مقدس اصلی است. این سلسله مراتب، مراحل ورود به بنا، از بیرونی‌ترین تا اندرونی‌ترین و از کم‌اهمیت‌ترین تا مهم‌ترین مکان - که همان کعبه می‌باشد - را به خود اختصاص داده است. همه این مقدمات برای رسیدن به مکان وصل و کعبه دل‌چیده می‌شود. مکانی که تجربه آن نه فقط با چشم، بلکه با کل وجود زائر و با تمامی حواس و قوای ذهنی و باطنی‌اش فراهم می‌گردد.

قرارگیری کعبه به صورت، شکل و در محلی که همگی به خواست خداوند بوده و در جهت هدفی که همانا توحید و عبادت بوده است، درس‌های فراوانی به همراه دارد. دستیابی به حقیقتی که خداوند در «چستی» و صورت این بنا داشته و با ابزار و شیوه ساختی که معمارانش از زمان و مکان فرهنگی آن اتخاذ کرده‌اند و «چگونگی» شکل آنرا می‌نمایاند، و این دومی بسیار وابسته به اولی می‌باشد، مراتبی دارد که باید باز شناخته شود.



تصویر ۶- یکی از مسیرهای انتقال به صحن کعبه در گذشته.

50. Schuon, Frithjof (1907-1998).

51. Frithjof, schuon, *From The Divine to the Human*, trans. G. Polit and D. Lambert, Bloomington, Ind. 1981.

۵۲. اسراء: ۱.

۵۳. عبدالرحمن بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، پیشین.
۵۴. حکیم ناصر ابن خسرو قبادیاتی مروزی، سفرنامه ناصر خسرو، پیشین.

۵۵. عبدالرحمن بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، پیشین، ص ۶۹۶.

56. Aletheia.

در این بخش نیز پی جوی هم تافتگی های صورت و شکل کعبه با مکان و زمان آن می باشیم. معماران از ابتدای تاریخ عادت کرده اند که «جهت عمودی را همیشه به عنوان بعد فضای تقدس»^{۵۷} تلقی کنند. در شهرسازی نیز از این ویژگی به عنوان هویت شهرهای اسلامی استفاده می شد. که ممکن بود فرازتر یا فرودتر از زندگی روزمره باشد. از مصطبه های مصری تا اهرام فراعنه در جیزه، از زیگورات چغازنبیل تا چهارطاقی های ساسانی، از گنبد کاخ سروستان تا گنبد های شبستان های مساجد و مدارس اسلامی _ که با نگاه جدیدی که معماران مسلمان بدان داشتند وجهی اسلامی یافته است _ همگی همواره جهت عمودی را نمایش فضای تعالی می نمایانده اند. در صورتی که برای رسیدن به کعبه باید از پله پایین و پایین تر رفت. هر چه پایین تر روی، به خدا و خانه اش نزدیکتر می شوی. رمز پایین رفتن که تجلی این اصل است که همه عالم، اعم از بالا و پایین محضر وجود خداوند می باشد، با مناسک و روح و باطن حج هم خوانی دارد. زیرا برای رسیدن به او ابتدا باید از پلکان منیت و خودخواهی های خود پایین و پایین تر بروید. چقدر این پایین رفتن با هویت و حفظ حرمت و مراتب وجودی کعبه، این مقدس ترین مکان در دنیا هم خوان می باشد. زیر این مکعب ۱۴×۱۲×۱۰ متری از هیچ نقطه ای در خارج از فضای صحن آن به چشم نمی آید. این مکعب هم مکان مرکز است و هم محیط آن، هم درون است و هم برون. در محضر این مکان باید که با غسل، وضو، احرام و آداب خاص وارد شد. همین نکته بیان کننده مراتب وجودی این مکان وصل می باشد.

در این فضا نمی توان از ابعاد حقیقت حضور، بدون زمان سخن گفت. «دقیق زمان بی حرکت است و در ابدیت ثابت شده است» این زمان که در عرضش و نه الزاماً در طول آن در نظر گرفته شده، مقدار حرکت دوری فلک نمی باشد. زمان دهری این فضا، هماهنگ با میزان شناخت درونی و محتوای کیفی اعمال و عبادات، توسط مُدرک و زائر آن دریافت می شود.^{۶۰} این زمان می تواند در «آن» های حضور متوقف شود و «هستی انسان را به زیر بال های معلق خویش گیرد»^{۶۱}

در این فضای مثالی و به ظاهر منفی ولی در واقع مثبت، با چنین ابعاد وجودی، مکانی و زمانی، هستی و حقیقت معماری کعبه، خود را به حضور می رساند. حضوری که در محضر گنبد آسمان محقق می شود. آسمانی که در آیه ۴۰ سوره اعراف می خوانیم که، منظور از آن ارواح انسان ها، و دروازه ورود به آن قلب است. آسمان دنیایی که نمودی از آسمان مثالی یا قلب و سینه گسترش یافته به نور ایمان می باشد. آسمان روحی که بر ارض بدن قرار می گیرد،^{۶۲} از مراتب و قلمروهای وجودی کعبه می باشد.

اما این آسمان و قرینه آن یعنی روح و قلب مومن، که مامنی برای «حضور قلب» است، مورد تجاوز قرار گرفته؛ زیرا این بنا نیز از نگاه توریستی و اقتصادی در امان نمانده است. در دهه های اخیر ساخت چندین بنای بلند مرتبه که همگی مشرف بر کعبه اند باعث شده است که ساکنین اتاق های این ساختمان ها، با هر شرایط جسمی و روحی، کعبه را به محضر خود فراخوانند. در سال های اخیر مرقد امامزاده ها و امام هشتم (ع) ما نیز از این آفت مصون نمانده است و باعث شده که این مکان های مقدس از هر نقطه شهر، هم چون برج میلاد در تهران، در هر زمان و شرایطی، در چشم هر ناپاک و نامحرمی حاضر شوند، قبل از اینکه بیننده اذن دخول یافته باشد. حال آن که در بافت قدیم اطراف حرم امام رضا (ع)، ابتدا با کشش برق چراغ های مغازه های طلا فروشی وارد بازار شده و پس از گذشتن از بازارهای مختلف پوشاک و کفش و در نهایت پس از عبور از راسته مهر، تسبیح و عطر فروشی و با یک وضوی فضایی وارد صحن می شدیم. بی توجهی به این ابعاد و مراتب وجودی، چشم دل هر زائری را می رنجاند.

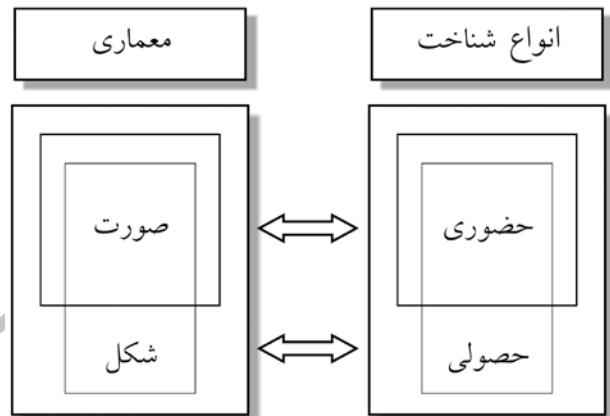
در اهمیت این مرتبه وجودی نوربرگ شولتز نیز ساختار مکان را بر حسب «چشم انداز» و «قرارگاه» توضیح می دهد. در نظر وی «در حالی که چشم اندازها به واسطه امتدادی متنوع و در عین حال کاملاً پیوسته مشخص می گردند، قرارگاه ها موجودیت هایی محصور می باشند. قرارگاه و چشم انداز از این رو دارای یک ارتباط پیکره _ بستر می باشند. در کل هر محصوریتی چونان یک «پیکره» در ارتباط با بستر گسترده چشم انداز ظاهر می گردد. در صورتی که این ارتباط از بین برود یک قرارگاه هویت خود را از دست می دهد»^{۶۳} لذا خدشه ای که به این چشم انداز وارد شده، هویت مکان کعبه و محصوریت آن را زائل کرده است.

۵۷. کریستیان، نوربرگ شولتز، معماری: حضور، زمان و مکان، ترجمه علیرضا سید احمدیان، موسسه معمار نشر، تهران، ۱۳۸۱.
 ۵۸. نجم الدین، بemat، شهر اسلامی، ترجمه دکتر محمدحسین حلبی و منیژه اسلامبولچی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۹، ص ۱۷۴.
 ۵۹. ویدا، تقوایی، «از زمان تا سرمد در انسان و معماری»، مجله نامه معماری و شهرسازی، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
 ۶۰. قاضی سعید قمی بر اساس تقسیمات سه گانه عوالم به حس، غیب و غیب الغیوب، زمان را متناظر با آن به سه مرحله «زمان کثیف»، «زمان لطیف» و «زمان لطف» تقسیم کرده است.
 نگاه کتیب به: غلامحسین، ابراهیمی دینانی، «قاضی سعید قمی یکی از حکمای فلسفی اصفهان» خردنامه صدرا، شماره ۳۲، تابستان، ۱۳۸۲، ص ۱۲.
 ۶۱. داریوش، شایگان، افسون زدگی جدید و هویت چهل تکه و تفکر سیار، ترجمه فاطمه ولیانی، فروزان روز، تهران، ۱۳۸۱.
 ۶۲. تقی، بدخشان، معنای آسمان و زمین در تفسیر شریف بیان السعاده، مجله عرفان ایران، شماره ۲۱، ۱۳۸۳.
 ۶۳. نوربرگ شولتز، روح مکان، به سوی پدیدارشناسی معماری، پیشین، ص ۲۴.

در احادیث مختلفی نیز مستندات لزوم توجه به این حدود، چشم اندازها و ابعاد نقل شده است. چنانکه در تفسیر عیاشی از «عبدالصمد» آمده است که، زمانی که ابوجعفر منصور جهت توسعه مسجدالحرام، با مخالفت صاحبان خانه‌های اطراف در فروش خانه‌هایشان روبرو شد، نزد حضرت امام صادق (ع) رفت، امام به وی فرمود: «غمناک مباش که ترا در این باره دلیلی روشن است، گفت: به چه با ایشان احتجاج کنم؟ فرمود: به کتاب خدا، گفت: به کجای کلام الهی؟ فرمود: با این آیه: ان اول بیت وضع للناس للذي ببكة مبارکاً،^{۶۴} زیرا خدای متعال خیر می‌دهد که اولین خانه‌ای که برای مردمان نهاده شده، خانه کعبه است، پس آنان اگر پیش از بنای کعبه مالک شدند، وسعت جلوی خانه ملک آنان است، لیکن اگر خانه کعبه تقدم داشته، پس وسعت جلوی خانه از خودش می‌باشد.^{۶۵}

لذا این بعد پنهان کعبه که در معرفت به صورت، حقیقت و جودی و درک لحظات ملکوتی در آن، بسیار موثر، در برخورد با بعد آشکار و پنهان آسمان‌خراش‌های مشرف بر آن، که وسعت جلوی مسجدالحرام را متصرف شده‌اند، حضور قلب و تقرب به راز وجود را در این مکان مختل می‌سازند.

در این جا حقایق حضوری صورت معماری کعبه، در تناظر با موارد زمان‌مند و مکان‌مند منتج از علم حصولی و در شکل بناهای دیگر را، نه به صورت دستورالعمل‌هایی که قادر باشیم، به مثابه سرمایه‌ای مستقیم از آن‌ها بهره‌مند شویم و برای ارتقای معماری امروزمان بخش‌ها و گوشه‌هایی از آنرا به معماری‌مان الصاق نماییم؛ بلکه به صورت افقی از مادی و ملموس‌ترین تا غیر مادی و غیرملموس‌ترین داشته‌های معماری آن؛ آن‌چنان که در این مقاله مطرح و مورد بررسی قرار گرفت، به اختصار پیش روی قرار می‌گیرد. (تصاویر ۷ و ۸)



تصویر ۷- ارتباط بین انواع شناخت با صورت و شکل معماری.

تصویر ۸- نمایی از کعبه و بناهای مشرف به آن.

۱- **حضور قلبی و رای حصول فکر:** درک حقیقی و حضور قلب در محضر الهی بصیرتی خودجوش را می‌طلبد، که به درون روح و جان ما نفوذ کند، بدون این که در محدوده تفکر منطقی محبوس شود. برای رسیدن به حقیقت، به حضوری در پی تلاقی معرفت و وجود و گسترده تر از رابطه ذهن با عین در علم حصولی نیازمندایم. فراشد حضور قلب، توأم با نوعی کشف است، که معمولاً متاع مادی از آن حاصل نمی‌شود.

۲- **اتصال و رای مواجهه:** در لحظه اتصال با بنای مسجدالحرام که اولین رویارویی زائر با آن است، باید صورتی از هدف و مقصد در ذهن وی ایجاد شود، این لحظه اتصال کلیت معماری را به شکلی خودانگیخته، بیان می‌کند، بدون آنکه کعبه به عنوان قلب بنا را، بدون طی مراتب لازم در دیدرس یا دسترس قرار دهد.

۶۴. آل عمران: ۹۶.

۶۵. طباطبایی، ترجمه و تفسیر المیزان، پیشین، ص ۵۸۴.

۳- سلسله مراتبی و رای مرز: با تأسی به مراتب وجود در سیر از والاترین به پایین ترین مرتبه و نیز سیر صعودی تقرب به آن ذات، اندیشه سلسله مراتبی اسلام شکل گرفته است. بر همین اساس در معماری مسجد الحرام نیز قرار گیری مکان‌ها کنار هم و سلسله مراتب دسترسی از بیرونی ترین به اندرونی ترین، سعی در تعالی از افق حیات عادی، وجود مادی و روزانه، به مراتب بالاتر و جهان مافوق جهان جسمانی بوده است.

۴- صورتی و رای شکل: صورت کعبه صرفاً نمود خارجی جسم آن نیست. بلکه مقدم بر شی تعیین یافته و مرتبط به زنجیره حق است. این خواست کلی تر از آن است که متکی به کار برد و معنی دارتر از آن است که حاصل و دیکته کننده شکل خاصی باشد.

۵- بی رنگی و رای رنگ: خداوند خانه خود را به ساده ترین شکل ممکن، که رمزی از «بی شکلی» و «بی رنگی» خودش است، برای نمایش عدم تشبیه به دیگر بناها برگزید. زیرا خداوند «مطلق» و «بی رنگ» است و بی شکلی و بی رنگی ساخت خانه اش را رمزی از وحدت جاری در کثرات قرار داده است.

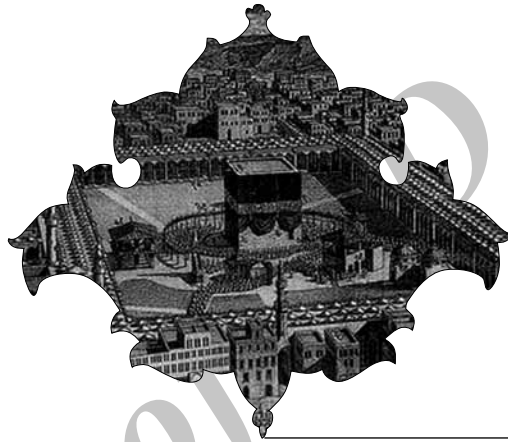
۶- عروجی و رای ارتفاع: معماران از ابتدای تاریخ عادت کرده اند که جهت نمایش الوهیت در فضاهای مقدس از ارتفاع و کشیدگی بنا در داخل و خارج آن استفاده کنند. در صورتی که برای رسیدن به کعبه باید از پله پایین و پایین تر رفت. هر چه پایین تر روی به خدا و خانه اش نزدیکتر می شوی. رمز پایین رفتن که تجلی این اصل است که همه عالم، اعم از بالا و پایین محضر وجود خداوند می باشد، با مناسک و روح و باطن حج همخوانی دارد. زیرا برای رسیدن به او ابتدا باید از پلکان منیت و خودخواهی های خود پایین و پایین تر بروی.

۷- مرکزیتی و رای وسط: فعل آفرینش الهی، جریان گذر از نهان به عیان را محقق می سازد. اگر بپذیریم که هر پدیده ای در نظام عالم که الگوی اعلی کار معماران نیز بوده، قدر، ارزش و در نتیجه جایگاه و مکان خاصی را دارا است؛ جهت نمایش این تمایزات در معماری، به نقطه عطفی - نه الزاماً در وسط - که فضای اطراف را قطبی کرده و به تعبیری آفرینش از آن آغاز گردد، نیاز بوده است. ساختار نظام فضایی معماری مسجد الحرام، مکان کعبه را به عنوان مرکز برای تمرکز و یافتن خویش و رفتن به سمت «شدن» و رسیدن به حضور قلب را تشخیص بخشیده است.

۸- سفری و رای حرکت: لحظه وصل به کعبه معرف عروج، تعالی و «حضور قلب» و لحظه ای توأم با آرامش و خلوت است، ولی آرامشی که پایان تعارض و کشمکش نیست، بلکه آغازگر آن است. تلاطمی که از محدوده عینیات گذر کرده و به جان و روح زائر واصل می گردد.

۹- سرمدی و رای زمان: بسط افقی و آفاقی زمان مادی، در تعالی با محور عمودی و انفسی آن که در مسیری به سوی تعالی و زمان سرمدی در حرکت است، ارتباط زمان با لایه های مختلف حقیقت را به یاد می آورد. زمانی که با گذر از زمان عالم مادی به دهر و سرمد؛ حدود، حقایق و لحظات تقرب متفاوتی را متجلی می سازد. زمان در مراتبی که با امر ثابت در ارتباط قرار می گیرد، «آن»ها را از لحظات حضور لبریز می سازد و جاودانگی را به منصف ظهور می رساند.

۱۰- جهت گیری و رای محوریت: انسان همیشه سعی داشته در گستردگی غیر قابل تفکیک زمینی، راه خود را باز یابد. این تمایز در جهت گیری با تفاوت در مکان و ویژگی های مختلف اجزای معماری نیز هماهنگ بوده است. در بنای کعبه مختصات فضای عینی و کران مند آن با مختصات نا کران مندش هماهنگ شده؛ که با محور بندی ظاهری در معماری متفاوت و جهتی برای همه مسلمانان شده است. چنان که در مقاله آمد، از مجموع آیات و احادیث در ارتباط با خواست خداوند در احداث این بنا مستفاد می شود که کعبه و عرش الهی و به یک معنا قلب مومن نماد یکدیگرند. در این فضا انسان می تواند از قماش آنچه بود، برهد و «آفرینشی نو» را به مدد حضور قلب محقق سازد. این خواست در چگونگی های ساخت آن نیز به منصف بروز رسیده است. دریافت حضوری از فضای وصل صحن مسجد الحرام، توسط آسمان خراش های اطراف آن مورد تجاوز قرار گرفته است. این برج ها، کعبه را در حد تولید مجدد و بازسازی ماشین وار مرکز، برای ساکنین آن ها که در هر زمان و با هر شرایط جسمی و روحی می توانند آنرا به محضر خود فراخوانند، معنا کرده است.



نتیجه گیری

آنچه از بررسی این پژوهش به دست می آید، درک حقیقی و حضور قلب در محضر الهی است که بصیرتی خودجوش را می طلبد که به درون روح و جان ما نفوذ کند. در لحظه اتصال با بنای مسجدالحرام که اولین رویارویی زائر با آن است، باید صورتی از هدف و مقصد در ذهن وی ایجاد شود. همچنین با تأسی به مراتب وجود در سیر از والاترین با پایین ترین مرتبه و نیز سیر صعودی تقرب به آن ذات، اندیشه سلسله مراتبی اسلام شکل گرفته است. بی شکلی و بی رنگی ساخت خانه کعبه نیز رمزی از وحدت جاری را نشان می دهد به طوری که برای رسیدن به او ابتدا باید از پلکان منیت و خودخواهی های خود پایین رفت تا به اوج الوهیت در آن فضای روحانی رسید. به علاوه جهت گیری این بنا، ورای محورهای زمینی و مختصات فضای عینی و کران مند آن با مختصات بی کرانه اش هماهنگ شده و ویژگی منحصری را برای همه مسلمانان ایجاد نموده است.

نزد عارفان و معماران شناخت یکی از مراتب «هستی» و «وجود» شمرده و همچون سایر موجودات مورد تامل و تعمق واقع می شد. و چنین نبود که فاعلیت ذهن شناسا نقطه شروع هر آنچه هست و وجود و عینیت دارد، قرار گیرد. معرفت مبتنی بر این نوع نگاه را علم حضوری می نامیدند.

چنانکه آمد توسط صورت کعبه «چگونه معماری خواستن» به کمک علم حضوری؛ به «چگونه معماری ساختن» در شکل آن و توسط علم حصولی مرتبط می شود؛ که در تناظر با مراتب وجودی انسان است. این مراتب در کعبه که قبله مسلمین جهان و نخستین بنایی است که طراح آن خداوند بوده و به خواست او و در محلی خاص برای عبادت ساخته شد و طبق آیات قرار بوده چیزی همتای او قرار نگیرد، اهمیتی خاص می یابد.

فهرست تصاویر

۱. تصویر ادراک حصولی و حضوری، منبع: نگارنده.
۲. تصویر بخش‌های مختلف کعبه، منبع: ۴۳.
۳. نقشه خانه کعبه و مسجد الحرام بر اساس شرح ناصر خسرو در سال ۴۴۲، منبع: ۲۷.
۴. تصویری از تزیینات کاخ الحمر، منبع: ۴۴.
۵. تصویری از دیوار کعبه، منبع: ۴۵.
۶. یکی از مسیرهای انتقال به صحن کعبه در گذشته، منبع: ۴۳.
۷. ارتباط بین انواع شناخت با صورت و شکل معماری، منبع: نگارنده.
۸. تصویری از کعبه و بناهای مشرف به آن، منبع: پیشین.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابراهیمی دینانی، غلامحسین، قاضی سعید قمی یکی از حکمای فلسفی اصفهان، خردنامه صدرا، شماره ۳۲، تابستان، ۱۳۸۲، صص ۱۰-۱۲.
۳. ابراهیمی دینانی، غلامحسین، قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی، جلد دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰.
۴. ابن رسته، ابو علی احمد بن عمر، الاطلاق النفیسه، ترجمه دکتر حسین قره چانلو، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۵.
۵. الیاده، میرچا، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، سروش، تهران، ۱۳۷۶.
۶. افندی، جعفر، رساله معماریه، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، موسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری، تهران، ۱۳۸۹.
۷. آیت‌الله جوادی آملی، صهای حج، تنظیم و ویرایش حسن واعظی محمدی، اسراء، قم، ۱۳۸۷.
۸. بدخشان، دکتر تقی، معنای آسمان و زمین در تفسیر شریف بیان السعاده، مجله عرفان ایران، شماره ۲۱، ۱۳۸۳، صص ۴۰-۲۰.
۹. بemat، نجم‌الدین، شهر اسلامی، ترجمه دکتر محمدحسین حلیمی و منیژه اسلامبولچی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۹.
۱۰. بورکهارت، تیتوس، نقش کعبه در هنر اسلامی، از کتاب: میانی هنر معنوی، زیر نظر علی تاج‌دینی، دفتر مطالعات دینی هنر، تهران، ۱۳۷۶.
۱۱. پازوکی، شهرام، معرفت عرفانی نزد ملاصدرا، خردنامه صدرا، شماره ۲۰، تابستان، ۱۳۷۹، صص ۳۸-۴۵.
۱۲. پازوکی، شهرام، تاریخیگری و نسبت آن با بنیادهای نظری تاریخ خیال، تابستان، ۱۳۸۳، صص ۱۳-۴.
۱۳. تقوایی، ویدا، «از زمان تا سرمد در انسان و معماری»، مجله نامه معماری و شهرسازی، شماره ۳، پاییز و زمستان، ۱۳۸۸، صص ۱۲۹-۱۱۷.
۱۴. تقوایی، ویدا، از چیستی تا تعریف معماری، مجله هویت شهر، شماره ۷، پاییز و زمستان، ۱۳۹۰، صص ۷۵-۸۶.
۱۵. حکیم ناصر ابن خسرو قبادیاتی مروزی، سفرنامه ناصر خسرو، به کوشش دکتر نادر وزین پور، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴.
۱۶. خر مشاهی، بهاء‌الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، جلد اول، انتشارات دوستان و ناهید، تهران، ۱۳۷۷.
۱۷. روزه ورنو، ژان وال و دیگران، نگاهی به پدیدارشناسی و فلسفه هست بودن، ترجمه استاد یحیی مهدوی، انتشارات خوارزمی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۲.

۱۸. سهروردی، شهاب‌الدین یحیی، حکمه الاشراف از مجموعه مصنفات شیخ اشراق، تصحیح و مقدمه هانری کرین، جلد دوم، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران، ۱۳۵۵.
۱۹. شایگان، داریوش، افسون زدگی جدید و هویت چهل تکه و تفکر سیار، ترجمه فاطمه ولیانی، فروزان روز، تهران، ۱۳۸۱.
۲۰. قمی، قاضی سعید، شرح توحید الصدوق، به تصحیح نجفقلی حبیبی، ج ۲، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۳.
۲۱. قمی، قاضی سعید، رموز صورت کعبه، ترجمه سیدعلی عمادی استرآبادی، رواق ۳، تابستان، ۱۳۸۷، صص ۷-۳.
۲۲. صدرالدین محمد شیرازی، ملاصدرا، رساله سه اصل، تصحیح و مقدمه دکتر سید حسین نصر، بنیاد حکمت اسلامی - صدرا، تهران، ۱۳۸۱.
۲۳. صدرالمآلهین، محمد بن ابراهیم، (ملاصدرا)، ترجمه و تفسیر الشواهد الربوبیه، ترجمه دکتر جواد مصلح، سروش، تهران، ۱۳۶۶.
۲۴. طباطبائی (علامه)، سید محمد حسین، ترجمه و تفسیر المیزان، ترجمه عبدالکریم نیری بروجردی، جلد سوم بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء، قم، ۱۳۶۲.
۲۵. طباطبائی، حضرت علامه سید محمد حسین، اصول فلسفه و روش رئالیسم، با پاورقی شهید مرتضی مطهری، چاپ هشتم، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۴.
۲۶. طبری، محمدبن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، اساطیر، تهران، ۱۳۶۲.
۲۷. عابدی، عقیل، معماری خانه کعبه و مسجدالحرام، به روایت سفرنامه حکیم خسرو قبادیانی، مجموعه مقالات اولین کنگره معماری و شهرسازی ایران، جلد سوم، سازمان میراث فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵، صفحه ۵۲-۱۳.
۲۸. عبدالرحمن ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، جلد دوم، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۸۵.
۲۹. علامه مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ترجمه علی دونانی، جلد ۴، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۴۵.
۳۰. غزالی، ابو حامد امام محمد غزالی، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیوجم، جلد اول، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۱.
۳۱. کرین، هانری، عالم مثال، ترجمه سید مرتضی آوینی، مجله نامه فرهنگ، سال سوم، شماره دوم و سوم، ۱۳۷۲.
۳۲. کرین، هانری، خانه کعبه و راز معنوی آن از نظر قاضی سعید قمی ۱۱۰۳ هـ / ۱۶۹۱ م، مجله معارف اسلامی، شماره ۲۳، ۱۳۵۴.
۳۳. کوماراسوامی، آناندا، فلسفه هنر در قرون وسطی شرقی، ترجمه سید علاءالدین طباطبائی، مجله رواق شماره ۶، نیمسال اول، ۱۳۸۲، صص ۸۵-۶۵.
۳۴. گنون، رنه، سیطره کمیت و علائم آخر الزمان، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵.
۳۵. مجتهدی، کریم، وجود و حضور در کتاب المشاعر حکیم ملاصدرا، خردنامه صدرا، شماره سی و دو، تابستان، ۱۳۸۲، صص ۹-۵.
۳۶. ملاصدرا، تصور و تصدیق، ترجمه و شرح با عنوان آگاهی و گواهی از دکتر مهدی حائری یزدی، چاپ دوم، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۶۰.
۳۷. نوربرگ شولتز، کریستیان، معماری: حضور، زمان و مکان، ترجمه علیرضا سید احمدیان، موسسه معمار نشر، تهران، ۱۳۸۱.
۳۸. نوربرگ شولتز، کریستیان، روح مکان، به سوی پدیدارشناسی معماری، ترجمه محمد رضا شیرازی، تهران، رخ داد نو، تهران، ۱۳۸۸.
۳۹. هایدگر، مارتین، سرآغاز کار هنری، ترجمه پرویز ضیاء شهابی، انتشارات هرمس، تهران، ۱۳۷۹.
40. Heidegger, Martin, *The Age of the World Picture*, in the Question Concerning Technology and other Essays, Trans. By William Lovitt, Harper & Row, NewYork, 1977, P. 115-154.
41. Lobell, John, *Between Silence and Light*, Spirit in the Architecture of Louis I. Kahn, Shambhala, Boston & London, 2000.
42. schuon, Frithgof, *From the Divine to the Human*, trans. G. Polit and D. Lambert, Bloomington, Ind. 1981.

سایت‌ها

43. <http://www.hajj.ir>.
44. <http://www.archnet.org>.